

ترجمه‌ای از داستان‌های چخوف راهی بازار کتاب شده که در آن داریوش مودبیان
گزیده‌ای از داستان‌های نمایشی این نویسنده را ارائه کرده است

فهمیدن یا نفهمیدن؛ مسأله این است!



زینب مرتضایی فرد

روزنامه‌نگار

«همین عنوان روی کتاب شوک بزرگی را به مخاطب وارد می‌کند: «دوستان، ما بد زندگی می‌کنیم» و همین عبارت را هم می‌توان عصاره و جانمایه کلام نویسنده و نمایشنامه‌نویس بزرگی دانست که حدود ۷۰۰ اثر ادبی ارزشمند خلق کرده است. بله... عدد بزرگی است و

حالا هم او زنده نیست که کسی بخواهد به خاطر رودبایستی و تعارف‌های معمول جهان ادبیات از او تمجید کند. وقتی در همه جهان می‌گویند حدود ۷۰۰ اثر ارزشمند یا شاهکار قطعا فرد مورد نظر که حالا سال‌هاست دستش از دنیا کوتاه است، کار ارزشمندی انجام داده که چنین مورد تعظیم و تکریم است.

ای داد... آن قدر درگیر قافیه‌اندیشی و تمجید شدم که یادم رفت بگویم از چه کسی حرف می‌زنم، اما حالا اسمش را هم نیاورم کتابخوان‌های حرفه‌ای حتما متوجه شده‌اند که ماچرا، ماچرا ای استاد بزرگوار ادبیات روس آنتون چخوف است. او

که با گذر سال‌های فراوان پس از مرگش هنوز هم مورد احترام و علاقه داستان‌نویس‌ها، نمایشنامه‌نویس‌ها، داستان‌خوان‌ها، نمایشنامه‌خوان‌ها و خلاصه همه آنهاست است که از کنار ادبیات و به خصوص نوشته‌های او رد شده و با خواندن هر داستانش توانسته‌اند به این نکته بغرنج بیندیشند که واقعا ما چقدر بد زندگی می‌کنیم!

چطور فهمیدی آقای چخوف؟

آقای چخوف از کجا می‌دانسته، اصلا از کجا فهمیده بوده این نکته مهم را؟ معلوم است دیگر، او خودش و جهان پیرامونش را زندگی کرده، نه این که جای همه آدم‌هایی که می‌دیده زندگی کند، بلکه بلد بوده چطور عمیق و دقیق نگاه‌شان کند و سر درآورد از این که درون آنها چه می‌گذرد. این سوالات را داریوش مودبیان به جای مقدمه‌ای که برای کتاب «دوستان، ما بد زندگی می‌کنیم» نوشته، کامل توضیح داده است. او ابتدا زندگی چخوف را شرح می‌دهد، زندگی خانوادگی دشواری که آمیخته با فقر و دردهای بی‌شمار دیگری است و تصویر کاملی ترسیم می‌کند از مردی که هرچند می‌تواند خیلی بد زندگی کند، اما تسلیم نمی‌شود، تمام قوای خود را به کار می‌گیرد که بد زندگی نکند و راهی کتابخانه‌ها می‌شود. تا می‌تواند ادبیات داستانی و نمایشی می‌خواند، این انس با کتاب شاید مهم‌ترین چیزی است که نمی‌گذارد او تسلیم زندگی بد شود، جمله شعاری است؟ بله. خودم هم می‌دانم که چقدر و تا چه حد شعاری است، اما باور کنید شعارهای بیچاره جملات بزرگ و ارزشمندی هستند که ما می‌توانیم تکرارشان کردیم بی‌آن که از آنها و ماهیت‌شان بهره ببریم، بعد هم گفته‌ایم شده‌اند

شعار و رهپیشان کرده‌ایم. از همین حالا می‌توانیم شعارها را با شعور بیشتری بخوانیم و مسأله را حل کنیم! آدمیزاد هر قدر هم باشعور باشد، باز می‌تواند باشعورتر شود و بهتر زندگی کند تا شامل حال جمله «دوستان، ما بد زندگی می‌کنیم» هم نشود!

حالا کجا را نگاه کنم؟

خلاصه جناب چخوف تسلیم نمی‌شود، می‌نشیند و زندگی آدم‌های پیرامونش را خوب نگاه می‌کند. آدم‌های عادی و معمولی که می‌خواهند خوب زندگی کنند اما بلد نیستند، خواه ناخواه درگیر آنچه نباید می‌شوند و زندگی را به هیچ می‌بازند. آدم‌هایی که می‌توانند سعادتمند باشند، اما نیستند. به زعم مودبیان، چخوف تمام تلاش خود را می‌کند تا آینه‌ای بگیرد مقابل چهره خواننده و مخاطبش تا بتواند خود، اشتباهات و مسیرهایی را که می‌رود در آن تماشا کند. حالا اما بلد است که در این مسیر دشوار کاری کند که بخندیم، تلخ بخندیم، به حال خودمان و آنچه از سر گذرانده و می‌گذرانیم. می‌توانیم تغییرش دهیم؟ دیگر با خودمان است. استاد چخوف آنچه باید را گفته و رد شده. با خودمان است که بفهمیم یا نفهمیم.

داستان نمایشی؟

«گزیده‌ای از داستان‌های نمایشی» این عبارت دیگری است که ذیل عنوان اصلی روی جلد کتاب درج شده است. این بخش را باید حسن دقت و سلیقه داریوش مودبیان دانست. او در این کتاب می‌گوید: داستان کوتاه نمایشی گونه‌ای از داستان کوتاه یا نوول نیست، بلکه ما این تعبیر را اختیار کرده‌ایم تا بتوانیم از میان داستان‌های کوتاه چخوف آنچه را برگزینیم که به خلق و خویمان نزدیک‌تر است و ما آنها را بر حسب تعریفی که از نمایش داریم، نمایشی می‌دانیم یا این که بهتر بگوییم قابلیت نمایشی شدن را در آنها می‌بینیم.

پس نکته اصلی در این است ما با داستان‌هایی روبه‌رویم که قابلیت نمایشی دارند و می‌توانند مورد اقتباس ادبی قرار بگیرند. چه بسا که تا کنون در ایران و بسیاری از کشورهای دیگر هم چنین اتفاقی رخ داده است. نمونه معروفش در ایران اجرایی است که پارسا پیروفر در خانه هنرمندان ایران روی صحنه برد، در آن ده داستان از چخوف را در قالب نمایش اجرا تمام نقش‌های نمایشنامه را هم خودش بازی کرد.

۷۷ داستان کوتاه ارائه شده در مجموعه دوستان، ما بد زندگی می‌کنیم هم منبع خوبی برای اقتباس نمایشی

هستند و می‌توانند مورد توجه نمایشنامه‌نویسان قرار بگیرند و در آنها می‌توان به عنوان يك مخاطب عام ادبیات ابعاد مختلفی از انسان به روایت چخوف را کشف کرد و لذت برد. داستان‌هایی که به مخاطب خود یادآوری می‌کند تن به پوچی و ابتذال ندهند، به این سادگی‌ها تسلیم تمام آنچه آنها را به سمت بد زیستن سوق می‌دهد، نشوند و به مبارزه‌ای بی‌صدا و درونی ادامه دهند. مبارزه‌ای که گاه در آن باید به خود خندید، گاه به دیگری و دیگران و گاه به جهان، اما تسلیم نشد.

خب همه اینها می‌تواند دلایل مهمی باشد که سریع، ما بد زندگی می‌کنیم را بخريد و روی چشم‌هایتان نگه دارید. من هر جا نام چخوف را ببینم و از نام مترجم هم خاطر جمع باشم، بدون هیچ فکری کتاب را با خود به خانه می‌آورم. حالا هم این کتاب ۵۱۲ صفحه‌ای به قیمت ۹۰ هزار تومان از سوی نشر گویا وارد بازار کتاب شده است. هم کیفیت متن و هم تعداد صفحاتش موجب می‌شود بگوید در مقایسه با بسیاری از کتاب‌های يك بار مصرفی که امروزه وارد بازار کتاب می‌شوند، خیلی هم ارزان است. می‌توانید خودتان کتاب را ببینید و قضاوت کنید. □

